[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]

[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

فعالیت در سازمان‌های مردم نهاد؛ برساخت شبکه ارتباطی جدید به مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائهٔ نظریه زمینه‌ای

امید قادرزاده،* ایوب کریمی**

چکیده

با نظر به اهمیت نهادهای مدنی به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص توسعه اجتماعی، پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به مطالعه‌ی زمینه‌ها و دلایل رشد سازمان‌های مردم نهاد در شهر سنندج و تجربه و درک فعالیت مدنی در نزد نمونه ای از شهروندان کُرد سنندجی بپردازد. روش‌شناسی پژوهش، کیفی است و داده‌های کیفی در این مطالعه با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شدند. برای تجزیه و تحلیل یافته ها از روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. بر اساس روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و حداکثر تنوع و لحاظ معیار اشباع نظری ۲۷ نفر از شهروندان کُرد سنندجی در این مطالعه شرکت کردند و درک و تفسیر آن‌ها نسبت به دلایل و زمینه‌های فعالیت در سازمان‌های مردم نهاد مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش بیانگر آن است که زمینه‌هایی چون ناکارآمدی دولت و نظام تدبیر در منطقه، و نابرابری اجتماعی(احساس تبعیض و عینی شدن فشار ساختاری) در حضور و مشارکت در سازمان‌های مردم نهاد نقش دارند. در این میان، بهره‌مندی از مجاری سازمانی و رهایی از روزمرگی و معنابخشی به زندگی به‌مثابه زمینه‌ی تسهیل‌گر و مسئولیت پذیری اجتماعی و کسب اعتبار اجتماعی به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. بازسازی معنایی تجربه و درک فعالان مدنی، از حضور و مشارکت در سمن‌ها بر سمن‌ها به مثابه مجرایی برای مشارکت و همبستگی اجتماعی، تغییر فرهنگی و اجتماعی و پل ارتباطی ذی‌نفعان و دستگاه‌های اجرایی دلالت دارد. مقوله‌ی هسته نیز بر سازمان‌های مردم نهاد؛ برساخت شبکه ارتباطی جدید به مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری» دلالت دارد.

واژه‌های کلیدی: سازمان‌های مردم نهاد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همبستگی اجتماعی، نابرابری اجتماعی، ناکارآمدی نظام تصمیم سازی.

*. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان و پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی (نویسنده مسئول)
o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

**. کارشناسی ارشد دانشگاه کردستان ayoub.karimi1359@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۳۰

مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۲۰۳-۲۳۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

مسئلهٔ اصلی پژوهش حاضر، فهم زمینه‌ها و دلایل فعالیت مدنی و تجربه و درک فعالان مدنی از مشارکت در سازمان‌های مردم‌نهاد شهر سنندج است. «سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های داوطلبانه‌ای به شمار می‌آیند که گروهی از اشخاص آن را سازمان‌دهی می‌کنند، در جهت علایق اعضا شکل می‌گیرند، عضویت در آن‌ها داوطلبانه و مستقل از دولت است و عموماً ماهیت غیرانتفاعی دارند. بخش عمدهٔ تصمیم‌گیرندگان و اعضا داوطلب هستند. در جامعه‌شناسی سازمان‌ها از این نوع انجمن‌ها به‌عنوان نوع سوم سازمان یاد می‌شود که انعطاف‌پذیری و نیز کارایی و بازدهی بالایی دارند و پیچیده‌ترین نوع سازمان هستند. مشارکت، راهبرد اصلی در سازمان‌های غیردولتی است و این سازمان‌ها نقش فعالی در گسترش جامعهٔ مدنی، مشارکت سیاسی و نیز توسعهٔ اجتماعی دارند» (سرایی و قاسمی، ۱۳۸۱: ۲۷).

پاتنام[1] با مفهوم‌سازی انجمن‌ها و نهادهای مدنی در قالب شبکه‌های افقی (مساوات‌طلب) و سرمایهٔ اجتماعی تعمیم‌یافته، معتقد است که «مشارکت در نهادهای مدنی بر مشارکت فعال در موضوعات عمومی، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و آمادگی درگیرشدن در مباحث و فعالیت‌های عمومی و همکاری و عضویت در نهادهای مدنی دلالت دارد» (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۶). نهادهای مدنی، به‌عنوان یکی از پیامدهای مدرنیته، در تکوین و بسط حوزهٔ عمومی نقش بسزایی ایفا می کنند. علی‌رغم تأثیرپذیری نهادهای مدنی از ساختار قدرت به دلیل ماهیت غیردولتی و غیررسمی آن و فرارفتن از اجتماعات محلی و غیررسمی، نقش بسزایی در شکل‌گیری و تقویت دلبستگی جمعی داشته و به‌عنوان حلقهٔ اتصال گروه‌ها و اجتماعات مختلف با سلایق و ذائقه‌های متنوع عمل می‌کنند.

«دولت فعال و جامعهٔ منفعل» نشان‌گر جامعه‌ای است که اثرگذاری و کنشگری نهادهای مدنی در آن به دلیل ضعف فرصت‌های ساختاری و سیطرهٔ خرده‌نظام سیاسی بر اجتماعات بینابینی، زایل گشته است. در ایران و به‌تبع آن در مناطق کردنشین، با مهیاشدن ساخت فرصت های سیاسی از دوم خرداد ۱۳۷۶ و با «بالارفتن سطح آموزش و ظهور قشرهای اجتماعی جدید که نظام معنایی و ذهنی آن‌ها محصول جامعه‌پذیری علمی و آموزش‌های نوین می‌باشد، زمینه برای تکوین نهادهای مدنی و تشکل‌های خصوصی شکل گرفت» (ساعی، ۱۳۸۶: ۱۶). شهر سنندج به‌عنوان مرکز استان کردستان، همانند سایر مناطق ایران، در چهار دههٔ اخیر در جریان فرایند نوسازی قرار گرفته است و به دلیل اجرای سیاست‌های مبتنی بر برنامه‌های نوسازی و

1. Putnam

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

عناصر آن، یعنی شهرنشینی، گسترش آموزش رسمی خصوصاً آموزش عالی، ارتباطات و رسانه‌های جمعی، تغییراتی را در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تجربه کرده است.

آنچه در میدان مورد مطالعه در دو دهۀ اخیر و به‌تبع تغییرات فرهنگی و اجتماعی حادث شده است، رشد نهادها و اجتماعات بینابینی و مدنی است؛ هرچند گستردگی، تعداد و دامنۀ اثرگذاری نهادهای مدنی در شهرهای مختلف استان کردستان یکسان نبوده است. در حال حاضر ۱۵۷ سازمان مردم‌نهاد در سنندج در زمینه‌های خیریه، حمایتی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... فعالیت می‌کنند. آنچه اهمیت واکاوی سازمان‌های مردم‌نهاد را نشان می‌دهد، رشد سازمان‌های مردم‌نهاد و رغبت به فعالیت مدنی در بستری است که هنوز به لحاظ شاخص های توسعه، کم‌برخوردار به حساب می‌آید و به‌تبع کم‌برخورداری در سه دهۀ اخیر، مطالبات قومی در آن برجسته شده است و نوعی بیگانگی سیاسی در این منطقه پدیدار گشته است. برای نمونه، وضعیت معیشتی مردمان این منطقه به دلیل ناهماهنگی‌های ساختاری و زوال فرصت‌های کاری، با دشواری‌های جدی مواجه بوده و کولبری و کسب‌وکارهای ناپایدار و پرمخاطرۀ مرزی به الگوی غالب معیشتی در این منطقه تبدیل شده است (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲). راهبردهای معیشتی اتخاذشده، زمینه را برای فعالیت‌های اجتماعی و مدنی دشوار و کنش‌های مردم را زیست‌واره و پیوندهای جمعی را تضعیف کرده است و به فراخور آن «نارضایتی از دولت، بیگانگی با هویت ایرانی و هویت یکپارچۀ کُردی را در نزد کردهای اهل سنت در پی داشته است» (سراج‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

تکوین و رشد نهادهای مدنی نویدبخش بازسازی اجتماعی و تقویت امر جمعی و بسط و تعریض اجتماع جامعه‌ای است. با لحاظ شرایط و مختصات ساختاری استان کردستان، مطالعۀ چگونگیِ تکوین سازمان‌های مردم‌نهاد از منظر دید و خوانش کنشگران مدنی شهر سنندج علاوه بر فرایند تاریخی تکوین سازمان‌های مردم‌نهاد، امکان تشریح چگونگی و دلایل تغییرات حاصله در ابعاد گوناگون این جامعه را نیز فراهم می‌آورد. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که درک و تفسیر فعالان مدنی از سازمان‌های مردم‌نهاد و تکوین آن در شهر سنندج چگونه است؟ فعالان مدنی، بسترها، مجاری و دلایل رشد سازمان‌های مردم‌نهاد و فعالیت در آن‌ها را چه می‌دانند و در مواجهه با زمینه‌های یادشده چه راهبردهایی اتخاذ کرده اند؟ فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد چه پیامدهایی در زندگی شخصی و اجتماعی کنشگران مدنی برجای گذاشته است؟

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

۲. پیشینهٔ تجربی پژوهش

مروری بر ادبیات تجربیِ مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد نشانگر آن است که از منظرهای حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد پرداخته شده است. در این بخش به مرور آن دسته از مطالعاتی پرداخته می‌شود که ناظر بر زمینه‌ها و بسترهای کنشگری سازمان‌های مردم‌نهاد است.

رازقی و لطفی خاچکی (۱۳۹۷) در پژوهشی کیفی و با روش نظریهٔ زمینه‌ای، به بررسی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزهٔ آسیب‌های اجتماعی، با تأکید بر رابطهٔ آن‌ها با دولت پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج مصاحبه با ۲۵ نفر از فعالان و مؤسسان سمن های فعال در حوزهٔ آسیب‌های اجتماعی، فقدان روندهای پایدار برای تولید منابع مالی، چالش های جذب و مدیریت منابع انسانی، کمبود سرمایهٔ اجتماعی و نبود انگیزه‌های مشترک واقعی، چالش‌های برنامه‌ریزی و نظارت، نگاه حداقلی و نبود دید کلان و جامع نسبت به مسائل اجتماعی، از چالش‌های درونی مهم سمن‌ها به شمار می‌رود. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد رابطه با جامعه و شهروندان، رابطه با سایر سمن‌ها و رابطه با دولت، از چالش‌های برون‌سازمانی سمن‌ها به شمار می‌روند. بر این اساس، پیامد ضعف قوانین تأسیس سمن و ناهماهنگی دستگاه‌های دولتی متولی، وابستگی مالی و عدم استقلال از دولت، بی‌اعتمادی دوطرفه میان دولت و سمن‌ها، فقدان رویکرد منسجم و یکدست سمن‌ها به دولت، عدم گشودگی نهادهای دولتی و ضعف سیستم اداری و مشخص‌نبودن معیارها و سازوکار نظارتی دولت، به چالش در رابطهٔ بین سمن‌ها با دولت منجر شده است.

براری و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد دولت و ارائهٔ استراتژی‌های بهبود» به روش پیمایشی به بررسی عوامل درونی و بیرونی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها) در ۳۴۷ سازمان مردم‌نهاد پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که وضعیت موجودِ استفاده از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد دولت ۷ قوت، ۱۳ ضعف، ۷ فرصت و ۹ تهدید عمده دارد. در این مطالعه، استراتژی «تدافعی» برای توسعهٔ سازمان‌های مردمنهاد توصیه شده است.

منیری‌فر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مطالعهٔ جامعه‌شناختی محله‌محوری و مشارکت اجتماعی»، با روش‌شناسی ترکیبی به دنبال بررسی درک و تفسیر مدیران ارشد و افراد مطلع در خصوص مشارکت اجتماعی و مدیریت محله بوده‌اند. بر مبنای یافته‌ها، تلقی بیشتر مصاحبه‌شوندگان از مشارکت، حضور در کلاس‌های آموزشی بوده است. براساس نتایج

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

تحلیل مسیر، اعتماد اجتماعی، مدیریت محله و تعلق محله، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی گذاشته‌اند.

جلالی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش پیمایشی به تحلیل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان پرداخته‌اند. بر مبنای یافته‌ها در چند دههٔ اخیر، بروز مشکلات متعدد زیست‌محیطی در استان کردستان به شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی و حمایت از آن‌ها انجامیده است. بر مبنای نتایج تحلیل عاملی، چالش های فراروی سازمان‌های زیست‌محیطی در پنج مؤلفهٔ چالش‌های مدیریتی، حمایتی، اجتماعی، ارتباطی و سازمانی قابل طبقه‌بندی است.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی پیمایشی به «بررسی سرمایهٔ اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد در شهر اصفهان» پرداخته‌اند. بر مبنای نتایج، به لحاظ شاخص‌های اعتماد تعمیم‌یافته، سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی و سرمایهٔ اجتماعی کلی و احساس تعلق، تفاوتی بین نمونه‌های درمانی مردم‌نهاد و مراکز خصوصی ترک اعتیاد وجود دارد.

آکرمان[1] (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای پیمایشی با عنوان «تمایل به داوطلبی: ویژگی‌های شخصیتی و اشکال مختلف داوطلب‌شدن»، به بررسی بنیان‌های روان‌شناختی اشکال مختلف فعالیت‌های داوطلبانه پرداخته است. محقق ضمن اشاره به محدودبودن اطلاعات موجود درخصوص رابطهٔ شخصیت و فعالیت‌های داوطلبانه به‌عنوان وجه مهم بافت اجتماعی، در کنار وجوه رسمی و غیررسمی داوطلب‌شدن، به داوطلبی آنلاین به‌مثابهٔ نوع جدید مشارکت اجتماعی پرداخته است. نمونهٔ مورد مطالعه متشکل از شهروندان سوئیس بود. بر مبنای یافته‌ها، برون‌گرایی عامل اصلی و ثابت داوطلب‌شدن به شمار می‌آید و عوامل موقعیتی رابطهٔ مذکور را تعدیل می‌کند.

کینگ[2] و گریفین[3] (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با عنوان «سازمان‌های غیرانتفاعی به‌مثابهٔ مدارسی برای دموکراسی: دلایلی برای دموکراسی سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی»، با تأسی از استدلال داج[4] و اوسپینا[5] در مقالهٔ «غیرانتفاعی‌ها به‌عنوان مدارس دموکراسی» مبنی بر اینکه سازمان‌های غیرانتفاعی مدارسی برای دموکراسی هستند و شهروندان توانمند و آمادهٔ

1. Ackermann
2. King
3. Griffin
4. Dodge
5. Ospina

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

مشارکت را در جامعه تولید می‌کنند، بر نقش بیرونی سازمان‌های غیرانتفاعی، به‌ویژه در پی ریزی کنش‌های مدنیِ مقوم دموکراسی تأکید می‌کنند. مطالعهٔ حاضر بر نقش فرایندهای درون‌سازمانی در تولید دموکراسی در غیرانتفاعی‌ها معطوف است. به‌جای تلقی دموکراسی درون‌سازمانی از منظر آثار و پیامدهای مثبت فراسازمانی، استدلال مقاله بر این مفروضه استوار است که دموکراسی درون‌سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی، باید فی‌نفسه به‌عنوان حسن و اثر ذاتی، ارزشمند تلقی شود. بنابراین، وسعت‌بخشیدن به رسالت اجتماعی سازمان غیرانتفاعی برای دموکراسی و آزادی بیشتر بر مبنای کار و عملکرد مثبت، در گرو نحوهٔ مدیریت سازمان‌های غیرانتفاعی از منظر فرایندهای درون‌سازمانی است.

اسمیت[1] (۱۹۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «تعیین‌کننده‌های مشارکت انجمنی و داوطلبانه و داوطلبی: مرور ادبیات»، به مرور مطالعات اجتماعی درخصوص مشارکت داوطلبانه در انجمن‌ها در آمریکا، در بازه زمانی ۱۹۷۵-۱۹۹۲ پرداخته است. برمبنای این دسته از مطالعات، تبیین کننده‌های مشارکت انجمنی عبارت‌اند از:

۱. متغیرهای بستری:[2] عواملی که معرف محیط-اجتماع، منطقه‌ای و محلی و سازمانی-فردی است.

۲. متغیرهای موقعیت اجتماعی:[3] عواملی که معرف پایگاه اقتصادی-اجتماعی، جنسیت، ثبات سکونت، سن، اندازهٔ خانواده، وضع تأهل و... است.

۳. شخصیت: تمایلات منش‌ها و خصلت‌های فردی پایدار، فراموقعیتی و عام.

۴. نگرش: (رابطهٔ مستقیم مشارکت انجمنی با نگرش به منافع گروهی، دیگرخواهی، احساس وظیفهٔ مدنی، محاسبهٔ هزینه/سود).

۵. متغیرهای شرایطی:[4] بر شرایط و موقعیت بلافصل فرد و ادراک فرد از آن شرایط دلالت دارد.

با مرور مطالعات انجام‌شده در این زمینه مشخص می‌شود که اغلب مطالعات به‌انجام‌رسیده، در چارچوب روش‌شناسی کمّی، و ناظر به چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد در نظارت بر عملکرد دولت، مدیریت و کاهش آسیب‌های اجتماعی بوده است و مطالعات اندکی درخصوص زمینه‌ها و دلایل فعالیت مدنی به انجام رسیده است و بازسازی معنایی تجربه و درک کنشگران مدنی بعضاً مغفول مانده است.

1. Smith
2. Contextual variables
3. Social background variables
4. Contextual variables

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

۳. چارچوب مفهومی

مشارکت مدنی، ناظر بر فعالیت در انجمن‌ها و نهادهای مدنی است. نهادهای مدنی، ناظر بر اجتماعات بینابینی است که حد واسط اجتماعات غیررسمی و رسمی جای دارند. هابرماس، وجود نهادهای مدنی را به‌عنوان آن بخش از حیات اجتماعی می‌داند که ضمن استقلال خود نسبت به بخش‌های رسمی و غیررسمی، زمینه را برای گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه و کنش ارتباطی رهایی‌بخش فراهم می‌کند. وی، بهره‌گیری از حوزهٔ عمومی یا گسترهٔ همگانی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی، به‌ویژه گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه را در شکل‌گیری ساختارها و ارزش‌های عام و تحقق عقلانیت ارتباطی و توسعه و تکامل اجتماعی ضروری می‌داند (هابرماس، ۱۹۷۹: ۸۳، به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۹).

سازمان‌های غیردولتی از مهم‌ترین عرصه‌های شکل‌گیری حوزهٔ عمومی و مشارکت اجتماعی محسوب می‌شوند. این سازمان‌ها از سه نظر اهمیت دارند: نخست آنکه توزیع متوازن‌تر قدرت را ممکن می‌کنند و موجب شکل‌گیری قدرت اجتماعی می‌شوند. دوم آنکه دخالت در فعالیت‌های این سازمان‌ها از طریق وسعت‌بخشیدن به علایق افراد و گسترش روابط انسانی آن‌ها و مجهزکردن آنان به توانایی‌های سازمان‌دهی و رهبری، سرانجام آن‌ها را از نظر سیاسی و اجتماعی فعال خواهد کرد. سوم آنکه با توجه به ماهیت بالقوهٔ حوزهٔ عمومی و ضرورت بازآفرینی دائمی آن از طریق بحث و گفت‌وگو و عمل جمعی، اصل شکل‌گیری هویت متمایز فردی و شکل‌گیری «ما» (هویت جمعی) و به‌دست‌آوردن تصوری از علایق و منافع عمومی، وابسته به مشارکت در انجمن‌ها و سازمان‌های اجتماعی و گفت‌وگو و فعالیت در آن‌هاست (هابرماس، ۱۹۷۴ :۱۰۲؛ به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۹).

برای اولین‌بار در علوم اجتماعی این دورکیم بود که نه‌تنها تفاوت‌ها را مانع انسجام و نظم اجتماعی ندانست، که حتی به‌طور بالقوه تفاوت‌ها را عاملی در جهت تثبیت نظم و انسجام دانست و از نقش‌آفرینی گروه‌بندی‌های حرفه‌ای و اجتماعات بینابینی در پی‌ریزی همبستگی اجتماعی صحبت به میان آورد. دورکیم پیوندها و مناسبات اجتماعی را به‌مثابهٔ رشته‌هایی تلقی می‌کرد که بر بنیان آن جامعه ساخته و همبسته می‌گردد. به نظر وی، هرجا که جامعه‌ای وجود داشته باشد، لاجرم همبستگی وجود دارد و درنتیجه غیرخواهی وجود دارد و این غیرخواهی مبنای اساسی زندگی است. جوامع ماقبل مدرن، با ساختاری قطاعی، نوعی همبستگی مکانیکی را تجربه می‌کنند؛ نظم اجتماعی به میانجیگری ارزش‌های مشترکی که در کلیت تجربیات مشترک روزمره ریشه دارد و جزئیات کنش را تعیین می‌کند و ماهیت انتظامی[1] دارد، قوام می

1. Regulative order

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

یابد (کاف، شاروک و فرانسیس، ۱۳۸۸: ۴۸). اما در جوامع مدرن، تقسیم کار اجتماعی و گروه بندی‌های اجتماعی و نهادهای حرفه‌ایِ منبعث از آن، عاملی در استوارکردن پیوندهای اجتماعی و برقراری همبستگی اجتماعی با حفظ تفاوت‌هاست (دورکیم، ۱۳۶۹: ۲۹۸). در جامعهٔ مدرن شکل جدیدی از همبستگی اجتماعی، شکل جدیدی از اخلاقیات جهت جلوگیری از فروپاشی و ازهم‌گیسختگی جامعه ضرورت دارد؛ نظمی که مبتنی بر تمایزپذیری و پذیرش تفاوت‌ها و وابستگی متقابل و به میانجیگری گروه‌بندی‌های حرفه‌ای شکل می‌گیرد، نظم ارگانیک و ماهیت انسجامی[1] دارد (کاف، شاروک و فرانسیس، ۱۳۸۸: ۴۹).

جفری الکساندر[2] موضوع همبستگی و انسجام اجتماعی را در خلال بحث از جامعهٔ مدنی مطرح کرده است. جامعهٔ مدنی، حوزه یا خرده‌نظامی از جامعه است که علی‌رغم وابستگی به منابع و درون‌دادهایی از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، سازمان سرزمینی و ساختارها و مناسبات کهن و اولیه، به لحاظ تحلیلی و تجربی از حوزه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و مذهبی متمایز، و از هویت و استقلال نسبی برخوردار است. جامعهٔ مدنی در حوزهٔ اجتماعیِ جامعه جای می‌گیرد و حوزهٔ همبستگی و هویت جمعی عام است. مطابق نظر الکساندر، تکوین هویت جمعی عام به‌عنوان بنیان نظم اجتماعی دموکراتیک، مستلزم رهایی جامعهٔ مدنی از سیطرهٔ سیاسی، اقتصادی و مذهبی است. به لحاظ داخلی نیز متضمن وجود ساختار نمادین و گفتمانی اغراض و انگیزه‌های اجتماعی مثبت و مساعدی نظیر خردورزی، اعتماد و سرمایهٔ اجتماعی، صداقت، برون‌گرایی و دوستی است که با خود مناسبات و تعاملات اجتماعی گسترده، باز، عام، آگاهانه و ارادی را به دنبال داشته و درنهایت به ساختارها و نهادهای اجتماعی دربرگیرنده و فراگیر و مبتنی بر قانون، عدالت و حقوق شهروندی و قراردادهای اجتماعی منجر خواهد شد که تحکیم‌بخش نظم اجتماعی، همبستگی و هویت جمعی عام است. فقدان قواعد نمادین مثبت در سطوح سه‌گانهٔ ذکرشده، جامعهٔ مدنی و حوزهٔ اجتماعی را با تهدید مواجه ساخته و هویت جمعی عام را به‌عنوان بنیان‌های نظم اجتماعی و دموکراسی تضعیف خواهد کرد و خاص‌گرایی و جناح‌گرایی را در حوزه‌های چهارگانهٔ حیات اجتماعی به دنبال خواهد داشت (الکساندر، ۲۰۰۱: ۱۰۱-۱۰۳).

پاتنام، با مفهوم‌سازی نهادهای مدنی در قالب شبکه‌های افقی (مساوات‌طلب) و سرمایهٔ اجتماعی پیونددهنده و تعمیم‌یافته، روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جزء سرمایهٔ اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به‌عنوان خاستگاه هنجارهای

1. Integrative order
2. Alexander

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. به باور پاتنام، مشارکت در نهادهای مدنی بر مشارکت فعال در موضوعات عمومی، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و آمادگی درگیرشدن در مباحث و فعالیت‌های عمومی و همکاری و عضویت در نهادهای مدنی دلالت دارد (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۹۶). از نظر پاتنام، اشکال مشارکت مدنی (داوطلبانه) را می‌توان در قالب مشارکت غیررسمی و نهادی (انجمنی) که دربرگیرندهٔ عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت های برنامه‌ریزی‌شده در یک زمان و مکان مشخص است، مورد مطالعه قرار داد. پاتنام، وجود اشکال متفاوت سرمایهٔ اجتماعی و ابعاد چندگانهٔ آن را مورد تأکید قرار داده و سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی[1] را در مقابل بین‌گروهی،[2] قرار می‌دهد. سرمایهٔ اجتماعی بین‌گروهی، به شبکه‌ای اجتماعی اشاره می‌کند که افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می کند و می‌تواند هویت‌های باز و فارغ از تعصب را موجب گردد. این نوع سرمایه از طرفی همیاری های تعمیم‌یافته را برمی‌انگیزد و از طرف دیگر دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌کند. بنابراین، آثار بیرونی مثبت سرمایهٔ اجتماعی بیشتر در این نوع محتمل است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۷).

قانعی راد و حسینی (۱۳۸۴: ۱۰۴) بین مشارکت صوری و ابزاری با درگیری فعال و توانمندانهٔ شهروندان تمایز قایل شده‌اند. بر این اساس، آنچه سبب مشارکت افراد در انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی است، جست‌وجوی هویت و معنا و وجود نوعی ارزش‌های خاص در کنشگران اجتماعی است. نیاز افراد به روابط اجتماعی، احترام، حیثیت و تحقق خود، که ناشی از زیر سؤال رفتن منابع پیشین هویتی است، باعث اشکال خاصی از کنش جمعی می‌شود. در شرایطی که افراد به معنا، هویت، تحقق خود، احترام و روابط نیاز دارند، این امور برای آن‌ها ارزشمند می‌شود. بنابراین، ارزش‌های افراد به سمت ارزش‌های خودشکوفایی، عزت و احترام، حیثیت و تعلق خاطر معطوف می‌شود و زمینه را برای مشارکت افراد در کنش‌های جمعی که می‌تواند این نیازها را ارضا کند، فراهم می‌کند. بنابراین، ایجاد سازمان‌های غیردولتی را می‌توان ناشی از ارزش‌های فرامادی و میل افراد به خودشکوفایی، جست‌وجوی هویت و معنا دانست. آن ها در انجام‌دادن کنش خود به دنبال رفع نیازهای اولیه و مادی نیستند، بلکه به دلیل احساس همدردی نسبت به انسان، توجه به محیط و آرمان‌ها، طرح ادعاها و خواسته‌ها و پیشرفت و تجلی منش خود به این کنش دست می‌زنند.

1. Bonding social capital
2. Bridging social capital

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

٤. روش‌شناسی

ازآنجاکه پژوهش حاضر از سویی به دنبال توصیفِ فرایندِ رشد سازمان‌های مردم‌نهاد، تعاملات مربوطه و زمینه‌ها و دلالت‌های آن از منظر فعالان مدنی است و از سوی دیگر، قصد کشف و ارائهٔ شناختی سیستماتیک از پدیدهٔ حاضر را دارد، نظریهٔ زمینه‌ای را بهترین شیوه برای موضوع خود یافته است. به‌علاوه، باید در نظر داشت هنگامی که «نظریه‌ای برای توضیح یک فرایند وجود ندارد، نظریهٔ زمینه‌ای طرحی خوب به شمار می‌رود»؛ همچنین «در مواقعی که نظریه‌های موجود، ناکافی و ناقص به نظر آیند» (کراسول، ۲۰۰۷: ۶۶).

در این مطالعه، به سیاق متعارف در روش‌شناسی کیفی از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. قدرت نمونه‌گیری هدفمند، در انتخاب نمونه‌ای غنی از لحاظ اطلاعات، برای مطالعهٔ عمیق است (استراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۶). در تحقیق حاضر از دو شیوهٔ نمونه‌گیری نظری و نمونه‌گیری با حداکثر تنوع که هر دو ازجمله استراتژی‌های نمونه‌گیری هدفمند به شمار می‌آیند، استفاده شده است. با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری با حداکثر تنوع جهت انتخاب مشارکت‌شوندگان، طیف متنوعی از سازمان‌های مردم‌نهاد (۲۱ سازمان مردم‌نهاد با زمینهٔ فعالیت خیریه و حمایتی، فرهنگی-هنری، زیست‌محیطی، بیماری‌ها، آسیب‌های اجتماعی و...) به کار گرفته شد تا با استفاده از آن حداکثر تنوع موجود در میدان تحقیق لحاظ شود.

نمونهٔ مورد پژوهش در این مطالعه، فعالان مدنی در سازمان‌های مردم‌نهاد بود و داشتن حداقل ۶ سال سابقهٔ فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد برای مشارکت در پژوهش مدنظر قرار گرفت (نمونهٔ مورد بررسی شامل افرادی با سابقهٔ عضویت ۶ تا ۱۵ سال بود). بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان (۵۶/۷ درصد)، لیسانس، ۱۰/۳ درصد فوق لیسانس و ۲۶ درصد دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم بودند. به لحاظ وضعیت اشتغال، ۳۲/۸درصد از فعالان مدنی شاغل در بخش رسمی، ۲۷/۹ درصد دارای شغل آزاد و ۳۹/۳ درصد بیکار بودند. به‌لحاظ جنسیتی، مصاحبه شوندگان مرد بودند. با توجه به معیار اشباع نظری، تعداد مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق در مجموع ۲۷ نفر شد که در ردهٔ سنی ۲۸-۴۷ سال قرار داشتند. در این پژوهش، مصاحبهٔ نیمه ساخت‌یافته اصلی‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات بوده است. برای تحلیل داده‌ها مطابق با سبک نظریهٔ زمینه‌ای از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد.

یکی از روش‌هایی که برای نشان‌دادن قابلیت اعتبار روش‌های کیفی به کار برده می‌شود، استناد و بازگشت مکرر به داده‌های خام تحقیق در هنگام بیان گزارش تحقیق و بیان مقولات انتزاعی دریافت‌شده از آن‌هاست (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۴۸). در جریان ارائهٔ یافته‌های پژوهش تلاش شد که از نقل‌قول‌های افراد مورد مطالعه به‌کرات استفاده شود. روش دیگر، استفاده از

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

تکنیک ممیزی[1] جهت به‌دست‌آوردن توافق افراد متخصص است (همان، ۱۵۰). بر این اساس، از نظارت افراد متخصص در نظریهٔ زمینه‌ای در مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات بهره گرفته شد.

۵. یافته‌ها

۵-۱- تجربه و درک کنشگران از فعالیت مدنی

در بخش حاضر، به دنبال این هستیم که کنشگران چه تفسیری از فعالیت مدنی در جامعه دارند. به همین دلیل سؤالات در بخش تعاملاتی از کنشگران پرسیده شد. اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده طی فرایند کدگذاری بیرون کشیده شد. همچنین از متون به‌دست‌آمده بالغ بر ۴۷ مفهوم حاصل شد که نهایتاً مفاهیمی که با یکدیگر ارتباط داشتند با همدیگر ترکیب و مقولاتی به شرح جدول ۱ استخراج شد.

جدول ۱. کدگذاری باز و محوری در رابطه با تجربه و درک کنشگران از فعالیت مدنی

مفاهیم	مقولات اصلی	مقولات محوری
پل ارتباطی مردم و دولت، دخالت و مشارکت در سمن‌های استان و ایران، یادگیری ارتباطات، همراهی مردم و رسانه، بازوی اجرایی دولت، جبران کم‌کاری دولت	پل ارتباطی، بازوی اجرایی دولت، خدمت به مردم، واسطه‌گری	میانجیگری و بازسازی رابطه بین مردم و دولت
تغییر باورهای فرهنگی غلط در جامعه، پیگیری خواستهٔ مردم و افکار عمومی، مردمی‌بودن، غیرانتفاعی‌بودن، تکیه بر قابلیت مردم، انتظام‌بخشی به جامعه، کمک به هم‌نوعان به‌مثابهٔ ویژگی ذاتی انسانی، نیاز به تغییر در جامعه، اثربخشی بیشتر در صورت ادغام سمن‌ها، تغییر نگرش، کسب تجربهٔ جدید	غیردولتی‌بودن (مردمی‌بودن)، فرهنگ‌سازی، آگاهی‌بخشی، تغییر فرهنگی	تسهیل‌گری و کارگزاری تغییر اجتماعی
باور به قدرت جمع، ارتباط بین سمن‌ها، مشارکت اجتماعی، همدلی اجتماعی، اتحاد، شبکه‌سازی، فعالیت‌های داوطلبانه، اجتماعی برای کارهای خیریه‌ای، فعالیت دلسوزانه، نداشتن توقع مالی، فعالیت خودجوش و خودبخش اعضا، دغدغهٔ مردم	تعهد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، خودبخشی، داوطلبی، دغدغه‌مندی	ترمیم و بازسازی اجتماعی

۵-۱-۱- سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابهٔ میانجیگر

هابرماس از نهادهای مدنی به‌عنوان اجتماعات بینابینی یاد می‌کند که در حد واسط اجتماعات غیررسمی و رسمی جای دارند و زمینه را برای گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه و به دور از سلطه و کنش ارتباطی رهایی‌بخش فراهم می‌کنند (هابرماس، ۱۹۷۹: ۸۳، به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۹). بنا به تجربه و درک فعالان مدنی، نهادهای مدنی به‌مثابهٔ میانجی و واسط در جامعه نقش

1. Auditing

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

آفرینی می‌کنند. یکی از وجوه میانجیگری، کنشگری انجمن‌ها بین مردم و حاکمیت است و این ناظر بر نقش میانجیگری و تسهیل‌گری سازمان‌های مردم‌نهاد است و در بیان نیازها و خواسته‌های اقشار آسیب‌پذیر، پیگیری برای رفع آن‌ها و معرفی نیازمندان به دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی ذی‌ربط نقش‌آفرینی می‌کنند.

سازمان‌های مردم‌نهاد در تقویت سرمایهٔ نهادی هم برای ذی‌نفعان و هم برای فعالان مدنی اثرگذار بوده‌اند. «منظور از سرمایهٔ نهادی، روابط رسمی-نهادی و میزان ارتباط و حشر و نشر با مسئولان اداری، اجرایی و قضایی به‌صورت ملاقات حضوری (گفت‌وگو) و ارتباط مکتوب و نوشتن نامه و عریضه به مسئولان می‌باشد» (پاداکیس، ۱۹۹۸؛ به نقل از ذکایی و روشنفکر، ۱۳۸۴). بنابراین، سرمایهٔ نهادی، ناظر بر برقراری ارتباط و پیوند با مسئولان اجرایی و سازمان‌ها و نهادهای شهر و استان است. به میانجیگری این ارتباط، مسائل و مشکلات ذی‌نفعان به مسئولان اجرایی انتقال داده شده و تلاش می‌شود که مسائل مذکور در دستور کار قرار گیرد و برای رفع آن‌ها پیگیری صورت می‌گیرد.

> «سمن باید پل ارتباطی میان مردم و دولت باشد، اما متأسفانه دولت دوست ندارد مخالفتی داشته باشد. به‌جای اینکه سمن‌ها طرف دولت را بگیرند، طرف مردم را می‌گیرند» (کد ۲، ۳۳ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت).

> «حس خیلی خوبی دارم. مثل عبادت می‌ماند. خدمت به مردم و خلق است. بدون هیچ توقعی خدمت می‌کنی» (کد ۱۷، ۲۹ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

برای خود فعالان مدنی، کنشگری در نهادهای مدنی فرصتی برای دسترسی به مسئولان و برقراری ارتباط و مکاتبه با آن‌ها را فراهم آورده است که به دلیل وزن اجتماعی و اثرگذاری نهادها این امکان فراهم شده است. در غیر این صورت، چنین امکانی مهیا نبود و مسئولان دسترسی‌ناپذیر بودند:

> «روزبه‌روز چیزهای جدیدی کسب می‌کنم. قواعد و بازی‌های سیاسی را فرا گرفته ام، نحوهٔ ارتباط با دستگاه‌های اداری را یادگرفته‌ام. با استاندار چطور باشی، با یک دکتر و...» (کد ۱، ۲۸ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

> «سمن‌ها مسائل جدی‌تر را پیگیری می‌کنند؛ دغدغه‌هایشان بزرگ‌تر است. ما به‌عنوان تسهیل‌گر عمل می‌کنیم، بخشی از این‌ها را مثلاً ما می‌دانیم که ناشی از قوانین است» (کد ۱۳، ۴۰ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

۵-۱-۲- سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابهٔ تسهیل‌گر و کارگزار تغییر

از نظر هابرماس، یکی از کارکردها و دلالت‌های نهادهای مدنی، کارکرد رهایی‌بخشی و کمک به توسعهٔ کنش‌های ارتباطی رهایی‌بخش با هدف توسعه و تکامل اجتماعی است (هابرماس، ۱۹۷۹: ۸۳؛ به نقل از عبداللهی، ۱۳۸۳: ۶۹). از منظر مصاحبه‌شوندگان، نهادهای مدنی در کنار کارکردهای حمایتی و طرح موضوعات و مسائل اجتماعیِ ذی‌نفعان و انعکاس آن به دستگاه‌های اجرایی و پیگیری و رفع آن مشکلات، یکی از کارگزاران تغییر در جامعه محسوب می‌شوند. برای نمونه، نهادهای مدنی از اموری که از منظر عامه عادی و طبیعی تلقی می‌شود آشنازدایی کرده و در تغییر جهت‌گیری‌های فکری، معرفتی و کنشی افراد جامعه نیز سهیم هستند. ازاین‌رو، نهادهای مدنی در تبدیل موضوعات روزمره و عادی به مسائل اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کنند. علاوه‌براین، به باور مصاحبه‌شوندگان، نهادهای مدنی باید به تغییر باورهای فرهنگی نامتعارف در جامعه نیز بپردازند. آنچه مصاحبه‌شوندگان از آن به‌عنوان فرهنگ‌سازی یاد می‌کنند:

> «می‌توانم خیلی از فعالیت‌ها را برای جامعه انجام دهم، مثل خواسته‌هایی که مردم و افکار عمومی دارند، تصور می‌کنم باورهای فرهنگی غلط در جامعه را در سمن‌ها می‌توانیم تغییر دهیم» (کد ۲، ۳۳ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).
>
> «دلسوزانه حس خوبی بهم دست می‌دهد. تغییر بزرگ و بهبود شرایط و عملکرد خوب» (کد ۲۰، ۳۳ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).
>
> «قبلاً می‌خواستم همسایه‌هایمان را تغییر دهم، الان دوست دارم تمام شهر را تغییر دهم» (کد ۴، ۲۶ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۱-۳- سازمان‌های مردم‌نهاد به‌مثابهٔ ترمیم‌کننده

به باور مصاحبه‌شوندگان، در جامعه روحیهٔ کار جمعی ضعیف است. افراد برای پیگیری مسائل و خواسته‌های خود به‌صورت فردی عمل می‌کنند و حتی در فعالیت‌ها و اقداماتی که ماهیت جمعی نیز دارد کمتر منافع و علایق دیگران را در نظر می‌گیرند و تعهد جمعی و مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران کم‌رنگ شده است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، نهادهای مدنی و سمن‌ها در بازسازی پیوندهای اجتماعی، تقویت همکاری جمعی و مشارکت اجتماعی نقش‌آفرینی کرده‌اند.

> «در جامعه کار تیمی خیلی کم هست و تصورم این هست که در کار گروهی ضعیف هستیم و تیم باید نقش مهمی ایفا بکند» (کد ۱۰، ۲۹ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

«سازمان‌های غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و کسانی که درون بزرگی دارند، در این سمن‌ها فعال هستند. حتی از خودم هم هزینه می‌کنم» (کد ۱۵، ۳۵ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

یکی دیگر از وجوه همبستگی اجتماعی از منظر مصاحبه‌شوندگان، تقویت ارتباط بین سمن‌هاست؛ به‌ویژه سمن‌هایی که حوزه و گسترهٔ فعالیت مشترکی دارند و همکاری درخور توجهی با هم ندارند:

«همکاری بین سمن‌ها خیلی ضعیفه. خانواده داریم از چند مؤسسه کمک مالی می‌گیره و خانواده داریم از هیچ‌کدام» (کد ۳، ۳۵ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«ارتباط بین سمن‌ها دارد پیشرفت می‌کند. با توجه به ارتباطاتی که سمن‌های شهر با شهرهای دیگر دارند، رو به پیشرفت می‌رود» (کد ۱۸، ۳۰ساله، ۷ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«تعدادشان زیاد و اعضا هم زیاده و اعضا سردرگم هستند؛ موازی‌کاری است. سمن‌ها، مهارت و مشارکت و تعاونی ندارند» (کد ۱۹، ۴۶ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۲- زمینه‌ها و دلایل فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد

نظریهٔ زمینه‌ای به دنبال پیداکردن ساختارها و تأثیرگذاری آن‌ها بر کنشگران است و می‌خواهد این فرایند را از طریق تجربه‌های کنشگران و درک و تصور آن‌ها، ضمن جریان اجتماعی و در برخورد با جامعه پیدا کند. در همین راستا، برای پاسخ‌گویی به این پرسش تحقیق که «زمینه‌ها و دلایل فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد در نزد کنشگران فعال مدنی کدام است؟» از کنشگران فعال مدنی مصاحبه به عمل آمد و داده‌هایی از مصاحبه‌ها استخراج شد. اطلاعات و داده‌های به‌دست‌آمده طی فرایند کدگذاری بیرون کشیده شد. از متون به‌دست‌آمده بالغ بر ۶۹ مفهوم حاصل شد که نهایتاً مفاهیمی که با یکدیگر ارتباط داشتند با همدیگر ترکیب و ۲۲ مقولهٔ فرعی و ۶ مقولهٔ محوری به شرح جدول ۲ استخراج شد.

جدول ۲. کدگذاری باز و محوری در رابطه با زمینه‌ها و دلایل فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد

مفاهیم	مقولات اصلی	مقولات محوری	نوع مقوله
رهایی از قیدوبند و چارچوب‌های اداری و ساختارهای حاکم، ناتوانی سازمان‌های زیست‌محیطی از انجام وظیفه، کم‌کاری جامعه خصوصاً مسئولان، ناتوانی دولت در ادارهٔ جامعه، کم‌کاری و بهانه‌تراشی ادارات، کاغذبازی ادارات، نبود شایسته‌سالاری، بی‌اراده‌بودن مسئولان و تابعیت محض از مافوق، پارتی‌بازی	پارتی‌بازی، مناسک‌گراشدن نظام اداری، مدیران ناکارآمد، ضعف شایسته‌سالاری	دولت ناکارآمد	شرایط علّی
نقص قوانین، دلبخواهی و سلیقه‌ای اجراکردن قوانین،	تبعیض قومی و مذهبی،	نابرابری اجتماعی	

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

مفاهیم	مقولات اصلی	مقولات محوری	نوع مقوله
محرومیت اجتماعی، تبعیض، ضعف حقوق اجتماعی، زوال حس ایرانی‌بودن، رعایت‌نشدن حقوق شهروندی، تبعیض سیاسی و مذهبی	زوال شهروندی، اجرای سلیقه‌ای قوانین		
دوری از روزمرگی، احساس مفیدبودن برای جامعه، لذت‌بردن از کار جمعی، ایفای مسئولیت اجتماعی لازمهٔ جامعهٔ بهتر و شاداب، آشنایی با اعضای جدید، مفیدبودن به‌عنوان هدف زندگی	احساس خلأ، رهایی از روزمرگی، ضرورت اقدام عملی، دورزدن استیصال	رهایی از روزمرگی و معنابخشی به زندگی	شرایط بافتی
باور به قدرت جمع و گروه در برابر فرد، تجربهٔ زیسته و مشکلات شخصی، اعتقاد به قدرت بیشتر و سازمان‌دهی بهتر گروه، علاقه‌مندی به فعالیت در سمن‌ها، علاقه‌مندی به فعالیت های داوطلبانه، داشتن روحیهٔ کار تیمی، لذت‌بردن از کار جمعی، مشغولیت اجتماعی	تجربهٔ کارجمعی، مشکلات شخصی، روحیهٔ کار تیمی، احساس اثربخشی	بهره‌مندی از مجاری سازمانی	
دغدغه‌مندی اجتماعی، تعهد اجتماعی، کمک به هم‌نوعان، احساس مسئولیت در مقابل نسل‌های آینده، وظیفهٔ انسانی، خدمات‌رسانی، فعالیت نوع‌دوستانه با تشکیل سمن، کمک به هم‌نوعان، وظیفهٔ انسانی، حساسیت در مقابل جامعه	تعهد اجتماعی، دغدغهٔ اجتماعی، نوع‌دوستی، حساسیت اجتماعی	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	شرایط مداخله‌گر
رشد شخصی، اعتبار و جایگاه‌بخشی، پرستیژ اجتماعی	مهارت اجتماعی، منزلت‌یابی	کسب اعتبار اجتماعی	

۵-۲-۱- ناکارآمدی نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی (دولت ناکارآمد)

یکی از زمینه‌ها و دلایل اصلی فعالیت در نهادهای مدنی از منظر همهٔ مصاحبه‌شوندگان، ناکارآمدی نظام اداری است. جامعهٔ ایران با سیطرهٔ خرده‌نظام سیاسی بر سایر خرده‌نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعریف می‌شود و دولت ماهیت حداکثری و مداخله‌گر به خود گرفته است و در همهٔ عرصه‌ها با محوریت و اولویت علّی بروکراسی و نظام اداری برآمده از دولتی حداکثری مواجه هستیم. به تأسی از دستگاه مفهومی هابرماس، دولت و نظام اداری برآمده از آن در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با انواع بحران‌ها مواجه هست؛ در عرصهٔ اقتصاد به دلیل دولتی‌بودن اقتصاد با بحران کارآمدی، در عرصهٔ اجتماعی با بحران انگیزش و سرمایهٔ اجتماعی و در عرصهٔ فرهنگی به دلیل سیطرهٔ سنت‌گرایی ایدئولوژیک با بحران عقلانیت و کلیت نظام سیاسی به دلیل مداخله‌گری اقتصادی، اجتماعی (استحالهٔ عرصهٔ عمومی) و فرهنگی، با بحران مقبولیت و مشروعیت دست‌وپنجه نرم می‌کند و کلیت نظام اداری، به قول رفیع‌پور (۱۳۸۸) در کتاب *سرطان اجتماعی فساد در ایران*، گرفتار مناسک‌گرایی و فساد شده است. این مسائل و بحران‌ها در میدان مورد مطالعه به دلیل اختلال در گردش نخبگان، جدایی از تقسیم کار ملی در ابعاد اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی نمود بیشتری پیدا کرده است و وضعیت پارادوکسیکالی به خود گرفته است.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

از منظر مصاحبه‌شوندگان، تمرکزگرایی فرهنگی، نبود شایسته‌سالاری، فساد اداری و کاغذبازی، عدم به‌کارگیری جوانان، زوال شهروندی و لحاظ‌نشدن حقوق مصرح اقلیت در قانون اساسی، اختلال در نظام تدبیر استان و جامعهٔ ایران، منازعات حزبی و سیاسی، رشد آسیب‌ها و نابهنجاری‌های اجتماعی، فراگیرشدن فقر، کم‌کاری مسئولان، آسیب‌های زیست‌محیطی و توسعه‌نیافتگی استان کردستان موجب شده است که فعالان مدنی به اقدامات عملی و جمعی برای جبران ناکارآمدی روی آورند. درواقع، در غیاب کارآمدی نظام اداری و اجرایی، فعالان مدنی خود به مقابله با بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی اهتمام کرده‌اند:

«سازمان‌های دولتی نمی‌توانند وظیفهٔ خود را به‌خوبی انجام بدهند. الان در بحث اعتیاد و کارتن‌خوابی فعال هستم» (کد ۱۹، ۴۶ساله،۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«در زمینه‌های مختلف، اقداماتی هست که باید گسترش دهید تا از قیدوبند و چارچوب‌های اداری و ساختارهایی که حاکم است دور شوید» (کد ۱۲، ۴۷ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«احساس می‌کردم حوزهٔ ورزش افت کرده، چون خودم ورزشکار بودم، و با بچه‌ها تصمیم گرفتیم سمن تأسیس کنیم برای منطقهٔ خودمان در سطح روستاها تا زیرساختی باشد برای روی‌آوردن بچه‌ها به ورزش» (کد ۲۶، ۴۰ساله،۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۲-۲- نابرابری اجتماعی

از منظر فعالان مدنی یکی از زمینه‌های اصلی رشد سازمان‌های مردم‌نهاد و کنشگری مدنی، وجود نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در میدان مورد مطالعه است. نابرابری، بر اختلال در فرایند شناسایی و به رسمیت شناخته شدن نهادی و ساختاری دلالت دارد. عینیت یافتگی فشارهای ساختاری، کنشگران مدنی را به تلطیف فاصله و شکاف بین توانایی‌های ارزشی و قابلیت‌های محیطی سوق داده است. مضافاً اینکه فعالیت در نهادهای مدنی، امکان مقایسهٔ بین فرهنگی و اجتماعی و منطقه‌ای را برای فعالان مدنی مهیا ساخته است و در این مقایسه‌ها سطح نازل شاخص‌های توسعه در مناطق کُردنشین، احساس نابرخورداری، محرومیت و تبعیض را تشدید و دوگانهٔ فرادست و فرودست را متصلب کرده است.

در اظهارات اکثر مصاحبه‌شوندگان، احساس تبعیض قومی و برخوردارنبودن از حقوق و نقض قوانین، خصوصاً در مقایسه با اقوام برخوردار، نمود قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است:

«دیدگاه من عوض شده، بخواهی نخواهی ما در ایران زندگی می‌کنیم، به ما ظلم شده. دولت باید اقداماتی انجام بدهد» (کد ۷، ۳۵ساله، ۶ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

«ما مثل عرب و بلوچها در یک سطح هستیم، می‌توانستیم وزیر کرد داشته باشیم می‌توانیم حقوق شهروندی بیشتری داشته باشیم» (کد ۸، ۴۲ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«در شرایط فعلی بحران سرمایه‌گذاری در کردستان مربوط به زیرساخت‌ها مخصوصاً راه‌هاست. پرواز نداریم. راه‌آهن نداریم، سیستم حمل‌ونقل پیشرفته‌ای نداریم» (کد ۴، ۲۶ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۲-۳- رهایی از روزمرگی و معنابخشی به زندگی

یکی از دلایلی که مصاحبه‌شوندگان برای روی‌آوردن به فعالیت در سمن‌ها بدان اذعان داشته اند، احساس خلأ در زندگی، ضرورت اقدام عملی برای رهایی از یکنواخت‌شدن زندگی روزمره، مقابلهٔ فعالانه با استیصال به‌وجودآمده در زندگی روزمره و بازتعریف معنای زندگی و نقش و جایگاه خود در آن و توجه ویژه بر مفیدبودن در اجتماع به‌عنوان هدف زندگی است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، با حضور در نهادهای مدنی در روابط و مناسبات اجتماعی آنان تنوع ایجاد شده و هیجان به زندگی آنان بازگشته و زندگی آنان آکنده از انرژی و تخلیهٔ عاطفی شده است و تصفیهٔ روحی و آرامش درونی را تجربه کرده‌اند.

در مطالعهٔ حاضر، بخش درخور توجهی از فعالان مدنی، کنشگران مدنی جوان هستند. واقعیت آن است که در گفتمان‌های مسلط، جوان و جوانی به‌مثابهٔ یک مسئله تلقی شده‌اند و عموماً جوانان با اختلال در شناسایی روبه‌رو هستند. به دلیل اختلال در به‌رسمیت‌شناسی، فضا و گسترهٔ فعالیت جوانان، به‌ویژه در ابعاد نهادی و رسمی محدود شده است؛ ازاین‌رو در میدان مورد مطالعه، برای قریب به اتفاق جوانان، امکان اثرگذاری اجتماعی و مدیریت اجتماعی زایل گشته است؛ بنابراین، در زندگی با روزمرگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. بر این اساس، یکی از دلایل فعالیت و کنش‌ورزی در انجمن‌های مدنی برای مصاحبه‌شوندگان، فرار و رهایی از روزمرگی و تنوع‌بخشیدن به زندگی به امید تغییر و گشایش در محیط اجتماعی بوده است:

«بعد از فارغ‌التحصیلی به هر دری می‌زدم بسته بود. از ماندن در خانه و زندگی تکراری خسته شده بودم. نمی‌توانستم تسلیم آن وضعیت بشوم. با چند نفر از دوستانم که اتفاقاً وضعیت شبیه به هم داشتیم با یکی از سمن‌هایی که در حوزهٔ هنری فعالیت می‌کرد شروع به فعالیت کردیم و خدا را شکر توانستیم تکانی به خودمان بدهیم» (کد ۹، ۲۹ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«من احساس می‌کردم که باید مفید باشم و کار مفیدی انجام دهم و هدف زندگی اینه که به درد جامعه بخوری» (کد ۱۶، ۳۳ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

«قاعدتاً هر چیزی از دل برآید بر دل نشیند. باید از روزمرگی دور بشی. کار دلسوزانه را شروع کنی با همدلی و نظم و ترتیب و با شعار صداقت، همدلی، انسجام» (کد ۱۲، ۴۷ساله، ۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۲-٤- مسئولیت‌پذیری اجتماعی

توسعه‌نیافتگی میدان مورد مطالعه که به‌نوعی مؤید تقسیم فرهنگی کار و به‌تبع آن، بهره‌مندی ناچیز از مواهب قدرت و توسعه است، زوال مسئولیت اجتماعی دولت و ضرورت ایفای رسالت اجتماعی فعالان مدنی و پرکردن خلأ نقش‌آفرینی اجتماعی دولت در مناطق کردنشین را نشان می‌دهد. دغدغه‌مندی اجتماعی، تعهد اجتماعی، کمک به هم‌نوعان، احساس مسئولیت در مقابل نسل‌های آینده، وظیفهٔ انسانی، خدمات‌رسانی، کمک به هم‌نوعان و حساسیت در مقابل جامعه، ازجمله مضامینی به شمار می‌آیند که قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان یکی از دلایل اصلی فعالیت مدنی بدان اشاره کرده‌اند. این مفاهیم ناظر بر مقولهٔ مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. عدم بی‌تفاوتی اجتماعی و درگیری اجتماعی و لحاظ‌کردن دیگران در نظام معنایی و جهت‌گیری‌های کنشی و کرداری فصل مشترک فعالان مدنی است. هرچند نوع و گسترهٔ تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی در نزد مصاحبه‌شوندگان متغیر بوده است، نوعی احساس تعلق، تعهد و وفاداری اجتماعی به فراخور اقتضائات فردی و ساختاری در نزد مصاحبه‌شوندگان تکوین و تعمیق یافته است.

«بخشی از رسالت هرکسی که در اجتماع زندگی می‌کند دوست دارد تأثیرگذار باشد و بتواند دردی از دردهای اجتماع بکاهد. بهترین روش تأثیرگذار در شرایط فعلی فعالیت در چارچوب سازمان‌های مردم‌نهاد است» (کد ۴، ۲۶ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«باید تفاوت‌ها را بپذیریم و خودمحور نباشیم. تک‌تک افراد جامعه با هم فرقی ندارند و شاید برای الان جامعهٔ خودم دلسوزتر باشم، چون اینجا افراد حمایت نمی شوند؛ چون در جوامع و ملت‌های دیگر مثل غرب مردم حمایت می‌شوند و سمن‌ها در جوامع دیگر و غرب فعال هستند» (کد ۲۲، ۳۴ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«در ابتدا در سمن‌ها کار را شروع کردیم، آسیب‌هایی که در جامعه می‌دیدم احساس کردم که کمبودها و خلأهایی وجود دارد، باید افراد بیشتر وقت بگذارند و این خلأها را پر کنند» (کد ۲، ۳۳ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

در اظهارات اکثر مصاحبه‌شوندگان، دیگرخواهی و ازخودگذشتگی و کمک به دیگران و رفع مشکلات و مسائل و مصائب آن‌ها نمود قابل توجهی دارد و اکثراً اذعان کرده‌اند به دلیل

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

وجود انواع آسیب‌های اجتماعی و ضرورت کمک به افراد بی‌بضاعت و ناتوان، در سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت کرده‌اند:

«بحث مسائل و آسیب اجتماعی بیشتر منو به این حوزه کشاند و ترغیب در من به وجود آورد» (کد ۲، ۳۳ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«الان در شهر سنندج در نواحی حاشیهٔ شهر خانوادهٔ بی‌بضاعت خیلی زیاده. یکی از اصلی‌ترین دلایل آن اعتیاد خانواده‌هاست. مثلاً در نایسر پدر و مادر بچه‌شون رو معتاد کردن که احساس نیاز کنه و به دنبال مواد برود؛ مشکلات اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی بیشتر منو به بن‌بست کشانده است» (کد ۱۵، ۳۵ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«بحث کمک به مردم مثلاً قبلاً فقط به ساکنان ناحیهٔ شهری ننله می‌توانستیم کمک کنیم، الان گسترده‌اش کردیم و می‌توانیم بیشتر کمک کنیم مثلاً در سطح شهر یا نایسر» (کد ۲۷، ۳۴ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۲-۵- بهره‌مندی از مجاری سازمانی

یکی از زمینه‌های تسهیل‌گر عضویت و فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد، بهره‌مندی از مجاری سازمانی است. مجاری سازمانی، یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، که احتمال مشارکت مدنی و سیاسی را تسهیل و بیشتر می‌کند (هانتینگنون، ۱۳۷۰: ۱۱).

بر مبنای اظهارات مصاحبه‌شوندگان، اغلب فعالان مدنی، قبل از ورود به سازمان‌های مردم‌نهاد از تجربهٔ فعالیت‌های خیرخواهانه، مشارکت در امور محله و کارجمعی برخوردار بوده اند. برخی از مصاحبه‌شوندگان به بیان تجربهٔ زیسته و زندگی خود در حاشیهٔ شهرها پرداخته و به تجربهٔ زندگی در فقر و سکونت در محلات فقیرنشین به‌عنوان محرک فعالیت مدنی خود اشاره کرده‌اند. به بیان دیگر، شرایط زیسته و ضرورت اجتماعی آن‌ها را به فعالیت جمعی وا داشته است:

«فعالیت مدنی را از دانشگاه شروع کردم، به خاطر دغدغه‌های اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، برای آنکه تلاش کنیم راه‌حلی برای آن‌ها پیدا کنیم، احساس ضرورت کردیم که در تشکل‌های غیردولتی، نگرانی‌ها و دغدغه‌هایمان را پیش ببریم» (کد ۱۳، ۴۰ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«بحث فعالیت در این حوزه در درجهٔ اول مربوط به مشکل خودم است. من در تصادف دچار معلولیت شدم. کم‌کاری خیلی زیادی در جامعه وجود دارد، اعم از مسئولان و عدم فرهنگ‌سازی؛ هرچه بیشتر کم‌کاری دیده‌ام بیشتر در این حوزه فعالیت کرده‌ام» (کد ۷، ۲۸ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

«چون خودم در محلهٔ فقیرنشین بزرگ شده‌ام و دانشگاه رفتم، می‌توانیم با کسانی که در این مناطق فقیرنشین هستند بهتر ارتباط برقرار کنیم» (کد ۱۷، ۲۹ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

در میان اکثر مصاحبه‌شوندگان روحیهٔ کار جمعی و باور به کار گروهی و قدرت بیشتر جمع و کار جمعی نمود قابل ملاحظه‌ای داشته است و بنا به تجربهٔ زیستهٔ خود نوعی احساس اثربخشی از فعالیت مدنی و جمعی در نزد فعالان مدنی شکل گرفته است. اثربخشی، «از درک فرد دربارهٔ نتایج رفتار خود ناشی می‌شود. وقتی افراد یک جامعه در رسیدن به اهداف مؤثر می باشند، در این نوع فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند، ولی زمانی که احساس کنند مشارکت آنان اثری در اوضاع جامعه و زندگی خودشان ندارد، از این فعالیت‌ها دست می‌کشند» (پناهی، ۱۳۸۶: ۱۷۳). فعالان مدنی سمن‌ها را تبلور مفیدبودن و اثربخشی بیشتر می‌دانند و از کار جمعی لذت می‌برند و فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد را بهترین روش اثرگذاری اجتماعی قلمداد کرده‌اند:

«می‌خواهم مفید باشم و مفیدبودن در شکل سازمان‌یافته منطقی‌تر است. دوماً قدرت گروه و جمع بیشتر از فرد است از هر لحاظ» (کد ۱۷، ۲۹ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«والله صددرصد هر کاری هدفمندتر و سازمان‌دهی‌شده‌تر باشد و چند نفر با هم همفکر باشند و پیشنهاد من اینکه گروهی فعالیت کنند» (کد ۳، ۳۵ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۲-۶- کسب اعتبار اجتماعی (منزلت‌یابی)

از منظر مصاحبه‌شوندگان یکی از زمینه‌ها و دلایل حضور و مشارکت فعالانه در نهادهای مدنی کسب اعتبار و پرستیژ اجتماعی است. مشارکت مدنی با گسترش میدان تعاملاتی و ارتقای اعتماد عمومی برای فعالان مدنی نوعی سرمایهٔ اجتماعی فراهم آورده است؛ سرمایه‌ای که به قول پاتنام ماهیت پیونددهنده، پل‌دهنده و اتصالی دارد. «سرمایهٔ اجتماعی اتصالی، بر شبکه‌ای اجتماعی اشاره دارد که افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه را به یکدیگر مرتبط می کند... و از طرف دیگر دستیابی به منابع موجود در شبکه‌های وسیع‌تر و انتشار اطلاعات را ممکن می‌کند» (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۷).

یکی از مقولاتی که کنشگران مدنی فعال در پی آن بوده‌اند و برای آن‌ها حائز اهمیت بوده است، کسب اعتبار و پرستیژ اجتماعی در جامعه بوده است. درواقع، در شرایطی که امکان اثرگذاری و مدیریت جوانان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و شغلی، سیاسی و اجتماعی به

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

دلیل ساخت محدود فرصت‌های نهادی و سیاسی محدود شده است، جوانان با روی‌آوردن به نهادهای مدنی، مجاری دیده‌شدن و کسب احترام و اعتبار اجتماعی خود را فراهم آورده‌اند:

«صددرصد داشته، شخصیت منحصربه‌فرد به آدم می‌دهد. انتقادپذیر باشم، ایده داشته باشم، باید بلد باشم، هر کاری را به چه کسی بدهم. قدرت برجسته بین شخصیت دیگران را باید شناسایی کنم» (کد ۱۰، ۲۹ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«خوبی‌هایی داره و بدی‌هایی هم داره. خوبیش اینه که من جایگاه اجتماعی پیدا کرده‌ام» (کد ۱، ۲۸ساله، ۱۲ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«کاملاً شخصیت و منش انسان زیر و رو می‌شود. خودش را به‌عنوان رهبر تصور می‌کند و باید الگوی دیگران باشد» (کد ۱۷، ۲۹ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۳- پیامدهای فعالیت در نهادهای مدنی

بخش پیشین مربوط به شرایط اجتماعی اثرگذار در کنش‌های کنشگران مدنی، تجربه و درک فعالیت در نهادهای مدنی بود. اما در بخش حاضر به دنبال این هستیم که فعالیت در نهادهای مدنی بر زندگی شخصی و اجتماعی کنشگران چه تأثیراتی بر جای گذاشته است؟ به همین منظور، کدگذاری صورت گرفت و هم‌زمان با آن مقولات محوری نیز استخراج شد.

جدول ۳. کدگذاری باز و محوری در رابطه با پیامدهای فعالیت در نهادهای مدنی

مفاهیم	مقولات اصلی	مقولات محوری
ارزشمندی فعالیت اجتماعی، گذار از تقلیل‌گرایی، تغییر نگرش، دغدغه‌مندی اجتماعی، پختگی اجتماعی، گذار از تصور محدود به مسائل اجتماعی به بینش جامعه‌شناختی، واقع‌گرایی	پختگی اجتماعی، دغدغه‌مندی اجتماعی، تقلیل‌نیافتن امر اجتماعی به امر فردی	بینش اجتماعی
بازسازی روابط اجتماعی، الگوشدن برای دیگران	مرجعیت اجتماعی، تأثیرگذاری اجتماعی	الگوپذیری اجتماعی
لذت شخصی، تصفیهٔ روحی، شور و شعف، احساس ارزشمندی	آرامش درونی، تصفیهٔ روحی، شور و شعف	آرامش شخصی

۵-۳-۱- بینش جامعه‌شناختی و تقلیل‌نیافتن امر اجتماعی به امر فردی

بنا بر اظهارات مصاحبه‌شوندگان، قبل از فعالیت در سمن‌ها، تصور و برداشت آن‌ها نسبت به موضوعات و مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، تقلیل‌گرایانه و سطحی و همراه با نوعی فردگرایی و منفعت‌طلبی شخصی، بی‌تفاوتی اجتماعی، خودمحوری و پرداختن به منافع و علایق فردی، بدون لحاظ منافع و علایق دیگران بوده است. با فعالیت در نهادهای مدنی، افق ذهنی افراد بسط یافته و در معادلات ذهنی و رفتاری خود با دیگران، منافع و علایق آن‌ها نیز

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

لحاظ شده است. بنابراین، به‌جای تلقی شخصی از مسائل و نگاه از دایرهٔ محدود و تنگ فردی، با نگاهی جامع و کل‌نگر با مسائل و موضوعات اجتماعی مواجهه پیدا کرده‌اند. با بهره‌گیری از ترمینولوژی سی رایت میلز می‌توان گفت فعالیت مدنی، فعالان مدنی را به نوعی «بینش جامعه‌شناختی» مجهز ساخته است.

«بعضاً احساس می‌کردم که این مشکلات، مشکلات شخصی افراد است و هیچ ربطی به ما ندارد، ولی وقتی در یک سمن فعالیت می‌کنی، ریشه‌های درد و آسیب‌ها را پیدا می‌کنی و می‌بینی که آن‌ها هم زیاد مقصر نیستند و خود جامعه مقصر است و همهٔ ما در یک جامعه هستیم، باید سهم داشته باشیم و سهم هم داشته‌ایم و مسئول هستیم» (کد ۱۳، ۴۰ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«تصورم تغییر کرده، مثلاً قبلاً تصورم این بود که کسی که معتاد شده مربوط به شخص خودشه، اما الان تصور می‌کنم سهم خانواده، محیط و دوست زیاد است» (کد ۱۳، ۴۰ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«صددرصد، قبلاً برای خودم و اطرافیان خودم کاری کردم. ولی الان به فکر جامعه هستم» (کد ۸، ۴۲ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-۳-۲- الگوپذیری اجتماعی

از دیگر مقولات پیامدی فعالیت در سمن‌ها، الگوشدن فعالان مدنی برای اطرافیان و افراد جامعه بوده است. کنشگران با اقدامات عملی و بدون چشمداشت انتفاعی، به مرجعی اجتماعی مبدل شده‌اند. در زمان‌هایی که الگوی غالب کنش‌ورزی افراد بر نوعی عقلانیت ابزاری استوار است و نوعی محاسبه‌گری و برآورد سود و زیان شخصی، رفتارهای فردی را جهت می‌دهد، فعالیت در نهادهای مدنی به بازسازی پیوندها و شبکه‌های اجتماعی، تقویت امر اجتماعی و فعالیت‌های مدنی بدون چشمداشت مدد رسانده است و کنش‌های ارتباطی را تقویت کرده است.

«از صفر تا صد احساس مسئولیتم بیشتر شده و تأثیرگذار بوده‌ام و به‌عنوان الگو برای دیگران مفید بوده‌ام» (کد ۱۵، ۳۵ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«کسی که منو می‌بیند که فعال هستم، دوست دارد عضو شود و فعال باشد» (کد ۷، ۳۵ساله، ۶ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«دوستانم وقتی منو می‌بینند که فعال هستم آن‌ها هم مجاب می‌شوند که فعال باشند و کار بکنند. حس کمک‌کردن مردم زنده می‌شود، چون منو به‌عنوان الگو تصور می‌کنند. دوستانم درگیر کارهای عام‌المنفعه شده‌اند» (کد ۳، ۳۵ساله، ۸ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

۵-۳-۳- آرامش شخصی

یکی از مقوله‌های پیامدی، کسب آرامش و لذت شخصی و جلای روحی به‌واسطهٔ فعالیت مدنی بود. به بیان دیگر، فعالیت مدنی برای کنشگران این عرصه با نوعی شور و شعف، احساس ارزشمندی، خستگی‌ناپذیری، تخلیهٔ انرژی و آرامش درونی همراه بوده است.

«صادقانه بگم فعالیت در سمن‌ها لذت خاصی دارد. خودم رشد کرده‌ام. بین کمک به دیگران و منافع خودم تعادل برقرار کرده‌ام» (کد ۲۲، ۳۴ساله، ۱۵ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«واقعاً هروقت احساس می‌کنم که بدون چشمداشت خدمت می‌کنم خیلی انرژی می‌گیرم. خسته نمی‌شوم، لذت می‌برم، خیلی خوشحال می‌شوم» (کد ۲، ۳۳ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

«صددرصد. بزرگ‌ترین تأثیری که داشته باعث تقویت اعتمادبه‌نفسم شده. رضایت از خود باعث تقویت اعتمادبه‌نفس می‌شود» (کد ۱۵، ۳۵ساله، ۱۰ سال سابقهٔ فعالیت مدنی).

۵-٤- مقولهٔ هسته: سازمان‌های مردم‌نهاد، شبکهٔ ارتباطی جدید به‌مثابهٔ جایگزین محدودیت‌های ساختاری

مقولهٔ هستهٔ این پژوهش با عنوان «سازمان‌های مردم‌نهاد؛ شبکهٔ ارتباطی جدید به‌مثابهٔ جایگزین محدودیت‌های ساختاری» براساس ۹ مقوله (جدول ۴) شکل گرفته است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر روییدن آن از دل داده‌های زمینه را از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت.

از ۹ مقولهٔ حاصل از یافته‌ها، ۵ مقولهٔ محوری استخراج شد که نشان از مسئله‌مندشدن مناسبات و مختصات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حیات اجتماعی در سنندج به‌عنوان بخشی از مناطق کردنشین دارد. درنهایت، مقولهٔ هستهٔ «سازمان‌های مردم‌نهاد؛ شبکهٔ ارتباطی جدید به‌مثابهٔ جایگزین محدودیت‌های ساختاری» استخراج شد، به‌نحوی‌که با ارجاع به آن می‌توان مسیر روییدن آن از دل مقولات و مفاهیم و نقل‌قول‌ها را مشاهده کرد.

بر مبنای مطالعات میدانی و داده‌های برآمده از مصاحبه با فعالان مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد، تمهید و بدیلی است که شهروندان سنندجی برای خودبیانگری (معنابخشی به زندگی و رهایی از یکنواختی کسالت‌آور در زندگی روزمره)، مواجهه با فشار ساختاری (نظام اداری و اجرایی ناکارا در مناطق کُردنشین) و به‌تبع آن، مقابله با اختلال در شناسایی و نابرابری اجتماعی (از طریق ایفای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و منزلت‌یابی اجتماعی) و کاستن از اختلال

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

رابطه‌ای و مقابله با چندپارگی اجتماعی و پیگیری دغدغه‌ها و حساسیت‌های اجتماعی خود به کار گرفته‌اند. فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌سان منبع دردسترس و شبکهٔ ارتباطی جدیدی است که فعالان مدنی، به‌واسطهٔ آن به رویارویی با محدودیت‌های ساختاری در محیط اجتماعی خود پرداخته‌اند.

جدول ۴. کدگذاری گزینشی در رابطه با مقولهٔ هسته

مقوله	نوع مقوله	مقولهٔ محوری	مقولهٔ هسته
رهایی از روزمرگی/معنابخشی به زندگی	شرایط بافتی	**خودبیان‌گری**	**سازمان‌های مردم‌نهاد؛ شبکهٔ ارتباطی جدید به‌مثابهٔ جایگزین محدودیت‌های ساختاری**
تغییر اجتماعی	راهبردی		
آرامش شخصی	پیامدی		
بینش جامعه‌شناختی	پیامدی		
بهره‌مندی از مجاری سازمانی	شرایط بافتی	**شبکه‌های ارتباطی**	
میانجی‌گری	راهبردی		
دولت ناکارآمد	شرایط علّی	**فشار ساختاری**	
اعتبار اجتماعی	شرایط مداخله‌گر	**اختلال شناسایی**	
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	شرایط مداخله‌گر		
نابرابری اجتماعی	شرایط علّی		
همبستگی اجتماعی	راهبردی	**ترمیم اختلال رابطه‌ای**	
الگوپذیری اجتماعی	پیامدی		

۶. بحث و نتیجه‌گیری

واکاوی زمینه‌ها و دلایل رشد سازمان‌های مردم‌نهاد در شهر سنندج به‌عنوان مرکز استان کردستان، بر نقش فشارها و محدودیت‌های ساختاری و توسعه‌نیافتگی به‌مثابهٔ شرایط علّی رشد و کنشگری سازمان‌های مردم‌نهاد در میدان مورد مطالعه دلالت دارد که در سطح کنشگران با تشدید احساس محرومیت و تبعیض همراه گشته است.

از منظر فعالان مدنی، نوعی تردید و بدبینی نسبت به عملکرد کارگزاران رسمی و نهادی، بر پنداشت و نظام معنایی مردمان این منطقه سایه افکنده و موجب شده است که عملکرد نظام تدبیر در این منطقه در افکار عمومی ناموفق ارزیابی شود. چنین وضعیتی اختلال در سرمایهٔ نهادی، بیگانگی سیاسی و شکاف دولت-ملت را در میدان مورد مطالعه در پی داشته داشته است. مطالعات تجربی موجود (قادرزاده، ۱۳۸۸؛ محمدزاده، ۱۳۹۰) گویای آن است که در میدان مورد مطالعه این تصور و پنداشت در حال تقویت است که از دسترسی به قدرت، گردش نخبگان و فرصت برابر سیاسی بی‌بهره‌اند و در یک وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین تری نسبت به دیگر اقوام کشور قرار دارند و در برخورداری از حقوق یا دسترسی به موقعیت‌های فرهنگی، در مقایسه با سایر اقوام محدود هستند. مقایسهٔ نتایج موج اول (۱۳۷۹) و موج دوم

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

(۱۳۸۲) داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان حاوی اطلاعات متنوع و فراگیری درخصوص شناخت وضعیت نگرشی و ذهنی کلی اقوام ایرانی و تحولات آن است. بر مبنای این داده‌ها، قوم کُرد بیش از بقیهٔ اقوام کشور بر این باور است که حکومت برای همهٔ اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قائل نیست (گودرزی، ۱۳۸۴).

با نظر به نظام متمرکز سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جامعهٔ ایران و سیطرهٔ خرده‌نظام سیاسی، تجربه و درک کنشگران مدنی گویای نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان میانجی و پل ارتباطی مردم و حاکمیت بوده است و از این منظر در تقویت سرمایهٔ نهادی نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. یافته‌های مطالعهٔ رزاقی و لطفی خاچکی (۱۳۹۷) نیز مؤید آن است انگیزه ها در سطح فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در ایران بیش از آنکه تخاصمی و ستیزه‌جویانه علیه دولت باشند، انگیزه‌هایی همیارانه و یاری‌کنندهٔ دولت بوده و نوعی واکنش اجتماعی به شرایط و عوامل اجتماعی-اقتصادی و کاستی‌های موجود در این حوزه‌هاست.

از دیگر زمینه‌های فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد، چندپارگی اجتماعی، محلی‌گرایی و محدودگشتن دایرهٔ تعلق و تعهد به هم‌کیشان و همانندان و نادیده‌انگاشتن مصالح عمومی در سایهٔ اولویت علّی ارزش‌های مادی (بقا و امنیت اقتصادی) بر ارزش‌های فرامادی به دلیل دشواری‌های اقتصادی و اختلال رابطه‌ای در میدان مورد مطالعه بوده است. نتایج مطالعهٔ حاضر گویای آن است که کنش‌ورزی سازمان‌های مردم‌نهاد محدود و منحصر به حمایت‌های مادی نبوده است و ضریب اجتماعی (گسترهٔ تأثیرگذاری) سازمان‌های مردم‌نهاد معطوف به بازسازی اجتماعی و فراهم‌آوردن زمینه‌های گذار از نظم انتظامی (نظم از بالا، متکی بر قوانین با ماهیت تجویزی و در قالب عام و کلی و با محوریت مراجع سنتی اقتدار و در غیاب کنش‌ورزی نهادهای مدنی) به نظم اجتماعی انسجامی (با مشارکت اجتماعی و بهره‌گیری از ظرفیت مراجع اقتدار محلی، و درگیرساختن نهادها و سازمان‌های مردم‌نهاد) بوده است. به بیان دیگر، سازمان‌های مردم‌نهاد در بازتعریف و بازسازی نظم اجتماعی اثرگذار بوده‌اند. «نوعی نظم اجتماعی که به میانجی تمایزپذیری و پذیریش تفاوت‌ها و وابستگی متقابل و به میانجی گروه‌بندی‌های حرفه‌ای شکل می‌گیرد و ماهیت ارگانیک و انسجامی دارد» (کاف، شاروک و فرانسیس، ۱۳۸۸: ۴۹). تجربه و درک کنشگران مدنی از فعالیت در سمن‌ها به‌مثابهٔ حلقهٔ اتصال، میانجیگر و عامل مشارکت و همبستگی اجتماعی، مؤید دیدگاه نظری رابرت پاتنام مبنی بر نقش نهادهای مدنی در تقویت و ارتقای سرمایهٔ اجتماعی بین‌گروهی و گذار از سرمایهٔ اجتماعی درون‌گروهی است که ماهیت انحصاری با دایرهٔ محدود تعلق، تعهد و وفاداری دارند.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

نگاهی به مختصات زمینه‌ای و پایگاه اجتماعی فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد در استان کردستان مشخص می‌سازد که اغلب فعالان مدنی را جوانان و قشر متوسط تشکیل داده‌اند. برای جوانان فعالیت مدنی مجرایی برای خودبیانگری و معنابخشی به زندگی و رهایی از یکنواختی کسالت‌آوری است که بر حیات اجتماعی جامعه مستولی گشته است. یکی از راهبردهای مورد توجه فعالان مدنی در سازمان‌های مردم‌نهاد، آگاهی‌بخشی به جامعه و ارتقای حساسیت اجتماعی و احیای مسئولیت‌پذیری اجتماعی در میدان مورد مطالعه بوده است. بر مبنای نتایج پژوهش، سازمان‌های مردم‌نهاد با آشنازدایی از امور آشنا و ارتقای بینش اجتماعی به شکل‌گیری مسئلهٔ اجتماعی، و به‌تبع آن به تغییر اجتماعی در جامعه مدد رسانده‌اند. جهت گیری‌های معرفتی و کرداری فعالان مدنی، ماهیت ارتجاعی و رادیکالی ندارد. «نهادهای مدنی و سازمان‌های غیرانتفاعی مدارسی برای دموکراسی هستند و شهروندان توانمند و آمادهٔ مشارکت را در جامعه تولید می‌کنند» (کینگ و گریفین، ۲۰۱۹: ۹۱۰).

فعالان مدنی به‌عنوان قشر متوسط، به دلیل بهره‌مندی از سرمایهٔ فرهنگی و اجتماعی (منزلت اجتماعی و اعتماد عمومی) از توان و قابلیت بسیج‌شوندگی درخور توجهی برخوردارند. سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران می‌طلبد که کنش‌ورزی قشر متوسط در قالب نهادهای مدنی بیش از پیش به رسمیت شناخته شود و نوع نگاهِ کارگزاران رسمی و نهادی به نهادهای مدنی تغییر پیدا کند. به باور فعالان مدنی، نگاه تزاحم‌آمیز دستگاه‌های اجرایی به نهادهای مدنی نیاز به واسازی دارد. نتایج پژوهش رازقی و لطفی خاچکی (۱۳۹۷) نیز مؤید آن است که رابطهٔ سمن‌ها با دولت از چالش‌های برون‌سازمانی سمن‌ها به شمار می‌رود و وابستگی مالی و عدم استقلال از دولت، بی‌اعتمادی دوطرفه میان دولت و سمن‌ها، فقدان رویکرد منسجم و یکدست سمن‌ها به دولت، عدم گشودگی نهادهای دولتی و ضعف سیستم اداری و مشخص‌نبودن معیارها و سازوکار نظارتی دولت، به چالش در رابطهٔ بین سمن‌ها با دولت منجر شده است. همچنین، نتایج مطالعهٔ منیری‌فر و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده است که درک و تفسیر مدیران ارشد و افراد مطلع درخصوص مشارکت اجتماعی و مدیریت محله، محدود بوده است و مشارکت اجتماعی را به برگزاری کارگاه و حضور در کلاس‌های آموزشی تقلیل داده‌اند.

به‌رسمیت‌شناختن نقش مشاوره‌ای و دیده‌بانی نهادهای مدنی و دسترسی آسان به اطلاعات، به شفافیت و پاسخ‌گوکردن دستگاه‌های اجرایی مدد می‌رساند. «رابطهٔ دوجانبه مبتنی بر همکاری بین سازمان‌های غیردولتی و دستگاه‌های دولتی درزمینهٔ رفع مشکلات ملی یا منطقه ای باید بر پایهٔ احترام دوجانبه، پذیرش استقلال عمل، عدم وابستگی، کثرت‌گرایی و نیز پذیرش جایگاه سازمان‌های غیردولتی باشد» (سعیدی، ۱۳۸۲: ۸۲).

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد در کردستان در بازسازی پیوندهای اجتماعی، تقویت همکاری‌های جمعی و مشارکت اجتماعی انکارناپذیر است. یکی از مهم‌ترین ابعاد سرمایهٔ اجتماعی، روابط انجمنی و سازمان‌های مردم‌نهاد است؛ به هر میزان نهادهای مدنی در جامعه بیشتر شوند، سرمایه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. ارتباطات، اعتماد، دوستی، مشارکت و کنش‌ورزی عقلانی از تولیدات مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد به شمار می‌روند. تقویت و تداوم ساخت فرصت‌های سیاسی و کاهش هزینه‌های فعالیت مدنی در استان کردستان ضروری به نظر می‌رسد.

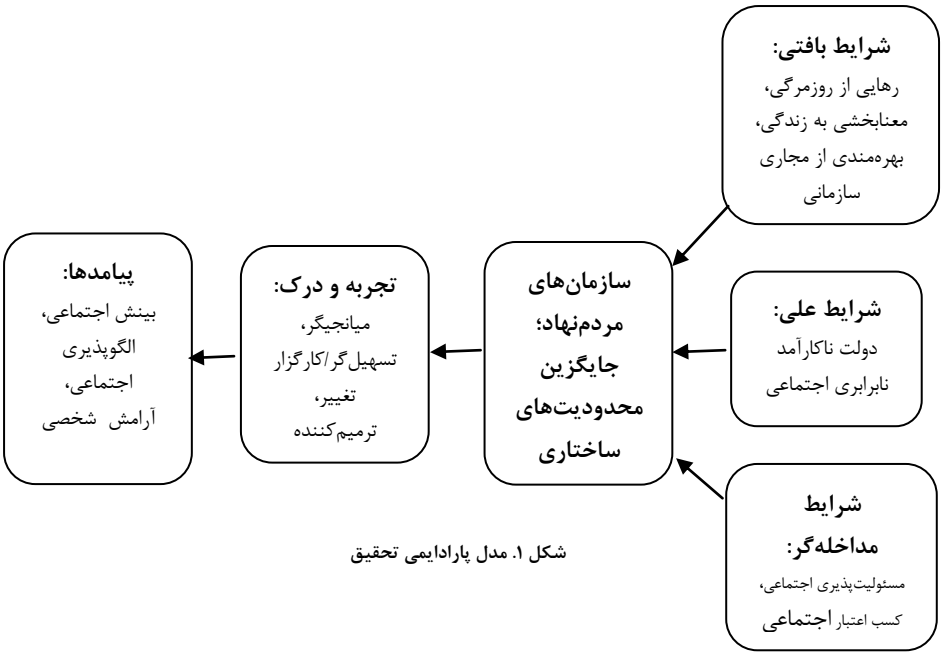

شکل ۱. مدل پارادایمی تحقیق

منابع

استراوس، آنسلم و ژولیت کوربین (۱۳۸۵) *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها*، ترجمهٔ بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پاتنام، رابرت (۱۳۸۴) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمهٔ محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]
[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]
[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

جلالی، محمد، یوسف حجازی، احمد رضوانفر و مهدی پورطاهری (۱۳۹۴) «تحلیل چالش‌های فراروی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی استان کردستان»، *روستا و توسعه*، سال هجدهم، شمارهٔ ۳: ۸۵-۱۰۷.

دورکیم، امیل (۱۳۶۹) *دربارهٔ تقسیم کار اجتماعی*، ترجمهٔ باقر پرهام، تهران: بابل.

ذکایی، محمدسعید و فائزه خطیبی (۱۳۸۵) «رابطهٔ حضور در فضای مجازی و هویت مدرن پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی»، *فصلنامهٔ علوم اجتماعی*، شمارهٔ ۳۳: ۱۱۱-۱۵۳.

رازقی، نادر و بهنام لطفی خاچکی (۱۳۹۷) «تحلیل جامعه‌شناختی چالش‌های بقا و پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزهٔ آسیب‌های اجتماعی؛ با تأکید بر رابطهٔ آن‌ها با دولت»، *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، شمارهٔ ۱۱: ۹۳-۱۲۳.

رحیمی، فاطمه، مریم اسماعیلی، ابوالقاسم نوری و علیرضا مهدوی (۱۳۹۰) «بررسی سرمایهٔ اجتماعی با تأکید بر نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از اعتیاد»، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، دورهٔ اول، شمارهٔ ۴: ۴۵-۶۲.

رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۸) *سرطان اجتماعی فساد*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ساعی، علی (۱۳۸۶) *فرایند دموکراتیزاسیون در ایران*، تهران: آگه.

سراج‌زاده، سیدحسین، امید قادرزاده و جمیل رحمانی (۱۳۹۳) «مطالعهٔ کیفی مذهب و قوم‌گرایی در میان کردهای شیعه و سنی»، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، دورهٔ پانزدهم، شمارهٔ ۴: ۳-۲۹.

سرایی، حسن و زهرا قاسمی (۱۳۸۱) «گونه‌شناسی انجمن‌های دواطلبانه در ایران (پژوهشی در انجمن‌های حمایتی)»، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، دورهٔ چهارم، شمارهٔ ۴: ۲۶-۵۶.

سلیانی، مسعود و منصور وثوقی (۱۳۹۷) «تحلیل ظرفیت سازمان‌های مردنهاد در نظارت بر عملکرد دولت و ارائهٔ استراتژی‌های بهبود»، *توسعهٔ محلی*، دورهٔ دهم، شمارهٔ ۱۸: ۹۵-۱۱۴.

سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲) *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*، تهران: سمت.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۳) «زنان و نهادهای مدنی مسائل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان در ایران»، *مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران*، سال پنجم، شمارهٔ ۲: ۶۳-۹۹.

غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی مشارکت*، تهران: نزدیک.

قادرزاده، امید (۱۳۸۸) «هویت جمعی غالب کُردها در کشورهای ایران و عراق»، رسالهٔ دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکدهٔ علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]

[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

قادرزاده، امید، احمد محمدپور و امید قادری (۱۳۹۱) «برساخت اجتماعی پدیدۀ تجارت مرزی: ارائۀ یک نظریۀ زمینه‌ای در شهرستان مریوان»، *فصلنامۀ برنامه‌ریزی رفاه و توسعۀ اجتماعی*، شمارۀ ۹: ۳۵-۸۰.

قانعی‌راد، محمدامین و فریده حسینی (۱۳۸۴) «ارزش‌ها، شبکۀ روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعۀ تجربی در بین جوانان تهران)»، *مجلۀ جامعه‌شناسی ایران*، دورۀ ششم، شمارۀ ۳: ۹۷-۱۲۳.

کاف، ای. سی، دی شاروک دبلیو و فرانسیس دی.دبلیو (۱۳۸۸) *چشم‌اندازهایی در جامعه‌شناسی*، ترجمۀ بهزاد احمدی و امید قادرزاده، تهران: کویر.

گودرزی، محسن (۱۳۸۴) *هویت قومی و باورهای اجتماعی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: انتشارات طرح‌های ملی.

محمدزاده، حسین (۱۳۹۰) «عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کُردهای ایران»، رسالۀ دکتری جامعه‌شناسی، دانشکدۀ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

منیری‌فر، سارا، رضا اسماعیلی، منصور حقیقیان و حسین ایمانی جاجرمی (۱۳۹۶) «مطالعۀ جامعه‌شناختی محله‌محوری و مشارکت اجتماعی»، *تغییرات اجتماعی-فرهنگی*، دورۀ چهاردهم، شمارۀ ۳، پیاپی ۵۴: ۹۲-۱۰۹.

موسوی، محمدطاهر (۱۳۹۱) *درآمدی بر مشارکت اجتماعی*، تهران: نشر جامعه‌شناسان.

نادری، نادر، معین سلیمانی و بهاره بهرامی‌نیا (۱۳۹۸) «بررسی رابطه بین کارکردهای تشکل‌های مردم‌نهاد و مؤلفه‌های نوین توسعۀ پایدار (مورد مطالعه: تشکل‌های مردم نهاد استان کرمانشاه)»، *مطالعات توسعۀ اجتماعی ایران*، سال یازدهم، شمارۀ ۳، پیاپی۴۳: ۳۷-۵۳.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰) *سامان سیاسی در جوامع در دستخوش دگرگونی*، ترجمۀ محسن ثلاثی، تهران: علم.

Ackermann, K. (2019) "Predisposed to Volunteer? Personality Traits and Different Forms of Volunteering", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 48 (6): 1192-1142.

Alexander, J. (2001) "The Binary Discourse of Civil Society", in Seidman, S & Alexander, j (eds) *The New Social Theory Reader*, London: Sage.

Creswell, W.John. (2007) *Qualitative Inquiry and Research Design*, London: Sage Publications

King, Daniel; Griffin Martyn.(2019). " Nonprofits as Schools for Democracy: The Justifications for Organizational Democracy Within

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]

[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]

Nonprofit Organizations ", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 48 (5): 910-930.

Smith, D. H. (1994) "Determinants of Voluntary Association Participation and Volunteering:A Literature Review", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly* ,23 (3): 243-263.

[Downloaded from jspi.khu.ac.ir on 2024-04-26]

[DOR: 20.1001.1.24766933.1399.11.1.10.9]

[DOI: 10.29252/jspi.11.1.203]